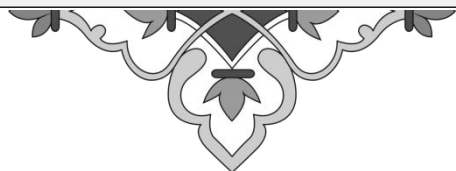




درس نامه

# علوم قرآن

(دکتری)



تلخیص، تنظیم و تسهیل  
کلیه‌ی منابع درس علوم قرآن دکتری

ویژه آزمون دکتری  
رشته علوم قرآن و حدیث

چاپ اول؛ سال ۱۴۰۰



بسته‌های آموزشی حافظون  
ویژه دروس تخصصی رشته قرآن و حدیث

درس نامه علوم قرآن دکتری  
تلخیص، تنظیم و تسهیل کلیه منابع درس علوم قرآن  
ویژه آزمون دکتری  
چاپ اول؛ سال ۱۴۰۰  
مؤلف: رسول محمدزاده  
همکار: حدیث ریاحی  
ناشر: انتشارات آیات مبینات  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۱۴۱-۰۰-۸  
تیراژ: ۳۰۰ جلد

### تماس با ما

|  |                     |
|--|---------------------|
| ۰۲۱۳۳۴۴۲۰۰۵  | شماره ثابت          |
| ۰۹۱۹۸۰۰۰۹۷۰  | شماره همراه         |
| <a href="http://www.haafezoon.ir">www.haafezoon.ir</a>       | سایت                |
| <a href="mailto:haafezoon@gmail.com">haafezoon@gmail.com</a> | ایمیل               |
| ۰۲۱۳۳۴۴۲۰۰۵  | سامانه دریافت پیامک |



در فضای مجازی ما را با شناسه haafezoon جستجو کنید.

جهت دریافت اطلاعات تخصصی رشته خود و دریافت فایل‌های  
مکمل، عدد ۳ را به سامانه ۰۲۱۳۳۴۴۲۰۰۵ پیامک کنید.

## فهرست مطالب

|     |   |
|-----|---|
| ۵   | البيان في تفسير القرآن.....                   |
| ۷   | مقدمه.....                                    |
| ۹   | فضیلت قرائت قرآن.....                         |
| ۱۴  | فضایل قرآن.....                               |
| ۲۴  | اوهام و پندارهایی غلط پیرامون اعجاز قرآن..... |
| ۳۰  | معجزات دیگر پیامبر اسلام <sup>۹</sup> .....   |
| ۳۵  | بررسی احوال قاریان قرآن.....                  |
| ۳۹  | نگاهی بر قرائت‌های هفت‌گانه.....              |
| ۴۳  | آیا قرآن بر هفت حرف نازل شده است؟.....        |
| ۵۲  | مصونیت قرآن از تحریف.....                     |
| ۶۷  | جمع و تدوین قرآن.....                         |
| ۷۲  | حجیت ظواهر قرآن.....                          |
| ۷۶  | نسخ در قرآن.....                              |
| ۱۰۸ | مسأله بقاء در آفرینش.....                     |
| ۱۱۳ | التمهید فی علوم القرآن.....                   |
| ۱۱۵ | مقدمه.....                                    |
| ۱۱۷ | بخش اول: الوحی و القرآن.....                  |
| ۱۱۷ | فصل اول: پدیده وحی.....                       |
| ۱۲۴ | بخش اول: الوحی و القرآن.....                  |
| ۱۲۴ | فصل دوم: نزول قرآن.....                       |
| ۱۳۱ | بخش اول: الوحی و القرآن.....                  |
| ۱۳۱ | فصل سوم: اسباب نزول.....                      |
| ۱۳۵ | بخش دوم: تاریخ قرآن.....                      |
| ۱۳۵ | فصل اول: تألیف قرآن.....                      |
| ۱۴۰ | بخش دوم: تاریخ قرآن.....                      |
| ۱۴۰ | فصل دوم: یکسان شدن مصحفها.....                |
| ۱۴۴ | بخش دوم: تاریخ قرآن.....                      |
| ۱۴۴ | فصل دوم: القرائات.....                        |
| ۱۵۱ | بخش دوم: تاریخ قرآن.....                      |



|     |  |
|-----|--|
| ۱۵۱ | فصل دوم: الناسخ و المنسوخ فی القرآن        |
| ۱۵۴ | بخش دوم: تاریخ قرآن                        |
| ۱۵۴ | فصل دوم: المحکم و المتشابه و حقیقة التأویل |
| ۱۵۹ | بخش دوم: تاریخ قرآن                        |
| ۱۵۹ | فصل دوم: مصونیت قرآن از تحریف              |



# البيان في تفسير القرآن

تأليف

آية الله العظمى السيد ابوالقاسم الخويي





## مقدمه

«البيان في تفسير القرآن»، کتابی مهم در تفسیر و علوم قرآنی، اثر فقیه شیعی معاصر آیت... سید ابوالقاسم خوبی (متوفی ۱۳۷۱ ش) است. این کتاب مشتمل است بر برخی مباحث علوم قرآنی از جمله اعجاز، تحریف، نسخ، تفسیر سوره حمد و... به رغم خواسته و هدف مؤلف در ارائه تفسیر سوره‌های دیگر البیان تنها مشتمل بر تفسیر سوره حمد است. این مجموعه در واقع، حاصل درس‌های آیت... خوبی در حوزه علمیه نجف است. در ادامه به اجمال به بیان محتوای بخش‌های این کتاب فاخر می‌پردازیم:

### بخش اول

مؤلف در آغاز، به اجمال، از شیوه تفسیر خود سخن گفته. سپس در فصل نخست با عنوان «فضل قرآن» جایگاه قرآن را در پرتو آیات آشکار ساخته و بر لزوم تدبر در آن تأکید کرده است.

### بخش دوم

در فصل دوم، در بحث «اعجاز قرآن» به تبیین لغوی اعجاز، معنای اصطلاحی آن و فرق آن با سحر پرداخته است. وی برترین معجزه را آن می‌داند که با برترین جریان روزگار هم‌اوردی کند، از این‌رو با تبیین جایگاه بلاغت و فصاحت در روزگار جاهلی، به اثبات برتری قرآن در اعصار و ماندندناپذیری آن در بیان و عرضه حقایق والا می‌پردازد.

### بخش سوم

از دیرباز، کسانی براین باور بوده‌اند که گاه در قرآن از لحاظ بیانی، اموری ناهمگون با فصاحت و بلاغت راه یافته است. مؤلف در این بخش به برخی از اشکال‌ها و ایرادها در این زمینه پرداخته و با استناد به تاریخ بدان‌ها پاسخ گفته است.

### بخش چهارم

نویسنده در این بخش به بررسی معجزات دیگر پیامبر اسلام<sup>۹</sup> و سپس به نقد براهین منکرین این معجزات می‌پردازد.

### بخش پنجم و ششم

بحث قرائت، که از پیشینه‌های کهن و اهمیتی ویژه برخوردار است، بتفصیل در البیان مطرح شده است. مؤلف به جایگاه قرائت در آراء قرآن پژوهان اشاره می‌کند و با تصریح به عدم تواتر می‌گوید، عدم تواتر قرائت‌ها سخنی مشهور در میان شیعه است. مؤلف برای اثبات عدم تواتر قرائت‌ها، ابتدا قاریان ده‌گانه را معرفی می‌کند و سپس چگونگی گزارش قرائت‌های آن‌ها را بازگفته، می‌نویسد، توجه به واقع زندگانی قاریان و تأمل در طرق نقل قرائت‌ها و چگونگی اسناد قرائت‌ها، نحوه استدلال قاریان و پیروان آن‌ها به قرائت‌های خود و نقد دیگر قرائت‌ها، و انکار بسیاری از محققان در صحت برخی قرائت‌ها، نشان می‌دهد که این قرائت‌ها متواتر نیستند.

### بخش هفتم

از آن‌جا که مؤلف تواتر قرائت‌ها را نفی کرده، در ادامه بحث، پیوند «قرائت‌های هفت‌گانه» را با حدیث «أحرف سبعة» گسسته دانسته و تأکید کرده است که این حدیث به هر معنایی که باشد، پیوندی با موضوع قرائت‌های هفت‌گانه ندارد. وی در تأیید این نظر خود، آراء تنی چند از مفسران و قرآن پژوهان بزرگ عامه را آورده است که از جمله به تأخر چند سده‌ای تعیین قرائت‌های هفت‌گانه از سوی ابن مجاهد استناد کرده‌اند.

### بخش هشتم

مهم‌ترین بحث البیان، بحث «تحریف ناپذیری» قرآن کریم است. مؤلف آن را معنی کرده، انواع و ابعاد آن را نمایانده و محل نزاع بحث را روشن کرده است. وی ضمن تصریح به این که محققان هرگز به تحریف عقیده نداشته‌اند، «نسخ التلاوة» را گونه‌ای از تحریف دانسته است. وی در اثبات تحریف ناپذیری قرآن، به آیات قرآن و سنت استناد کرده است، و افزون بر این‌ها به لحاظ تاریخی و با توجه به واقع زندگانی مسلمانان، وقوع تحریف را غیرممکن دانسته است.

### بخش نهم

در این بخش مؤلف به چگونگی جمع‌آوری و تدوین قرآن می‌پردازد و بدین سبب به بیان احادیث کیفیت جمع‌آوری قرآن پرداخته و برخی از شبهات روایات جمع‌آوری را پاسخگوست.

### بخش دهم

مؤلف پس از اثبات سلامت، استواری و وحیانی بودن قرآن، به بحث "حجیت ظواهر" می‌پردازد، و برای اثبات آن، به دلایل عقلی، قرآنی و روایی استناد می‌کند.

### بخش یازدهم

در بحث از حجیت ظواهر قرآن، که عملاً حجیت تمامی آیات آن است، چگونگی نسخ آیاتی از قرآن مطرح می‌شود. از این‌جا مؤلف به بحث از «نسخ» می‌پردازد، و از یک سو اصل آن را می‌پذیرد و از سوی دیگر با بررسی اهم مصادیق آن، که گاه تا به ۲۱۴ آیه رسانده‌اند می‌پردازد.

### بخش دوازدهم

مؤلف در پی بحث از نسخ به مسأله بداء پرداخته است. در این بخش با تبیین دیدگاه‌های شیعه، دلایل بداء را نیز بازگو می‌کند.



## فضیلت قرائت قرآن

### آنچه در این فصل می‌خوانیم:

- ناتوانی انسان از وصف قرآن و لزوم مراجعه به روایات اهل بیت:
- فضیلت قرائت قرآن

### ❖ ناتوانی انسان از وصف قرآن

انسان که ممکن الوجود و محدود است نمی‌تواند حقیقت گفتار واجب الوجود و نامتناهی را درک کند و اعتراف به ناتوانی بهتر از وصف آن است. قرآن کریم کلام خدای بزرگ و معجزه‌ی جاوید پیامبر اکرم<sup>۹</sup> و عهده‌دار هدایت بشر و ضامن سعادت و خوشبختی انسان‌ها در همه‌ی زمان‌ها است، لذا از عظمت بی‌پایانی برخوردار است. خود قرآن درباره‌ی این حقیقت می‌فرماید:

- كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ.
- هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ.
- إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ.

در کلام پیامبر نیز به این حقیقت اشاره شده، آن‌جا که می‌فرماید: "برتری گفتار خدا بر دیگر گفتارها همانند برتری پروردگار بر مخلوقاتش است."

نتیجه: برای وصف قرآن ناگزیر به مراجعه به سخنان اهل بیت: هستیم، زیرا بر مبنای حدیث ثقلین، هم شریکان قرآن در هدایت بشرند و هم بستگان قرآنند. در ادامه به ذکر چند حدیث در فضیلت قرآن بسنده می‌کنیم.

#### حدیث اول:

حارث همدانی می‌گوید: وارد مسجد شدم، گروهی را دیدم که دور هم نشسته در پاره‌ای از احادیث به بحث، مجادله و گفت‌وگوهای بی‌فایده پرداخته‌اند. سپس به حضور امیر مؤمنان<sup>۷</sup> بار یافتم و جریان را به سمع وی رسانیدم و آن حضرت فرمود: واقعا چنین روشی را اتخاذ نموده‌اند؟ گفتم: آری. آن‌گاه علی<sup>۷</sup> گفت: حارث! من از رسول خدا<sup>۹</sup> شنیدم که فرمود: دیری نباید که فتنه‌ها بر پا گردد. عرضه داشتم یا رسول الله! راه‌هایی از این فتنه‌ها چیست؟ فرمود: قرآن کتاب خدا، کتابی که راه حل اختلافات و کشمکش‌های شما در آن است، کتابی که می‌تواند حق و باطل را به آسانی از هم جدا و روشن سازد، حقیقتی که هزل و شوخی به آن راه ندارد، کتابی که هر جبار و ستمگری آن را به دور اندازد؛ خداوند کمر او را می‌شکند و بر خاک مذلت و هلاکتش می‌نشانند و هر کس هدایت را در غیر آن بجوید به ضلالت و گمراهی می‌افتد. آن همان ریسمان محکم الهی است که ارتباط انسان با خدایش بدان بسته است و آن همان کتاب حکمت آمیز و راه مستقیم است و آن همان کتابی است که امیال و هوس‌های بشری و دست‌آورد اهریمنان، نمی‌تواند او را تغییر دهد. در اثر همان کتاب است که زبان‌ها از اشتباه مصون مانده، گفت‌وگوهای باطل و بی‌فایده پایان می‌پذیرد. دانشمندان از خواندن و تفکر در آن سیر نمی‌شوند. با گذشت اعصار و قرون، کهنه و فرسوده نخواهد شد، کتابی که عجایب و مزایای آن بی‌پایان است. این قرآن همان گفتار است که وقتی جنیان آن را شنیدند دل‌باخته آن گردیدند و بی‌اختیار گفتند: «إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا، يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ»؛ یعنی ما قرآن اعجاب‌انگیزی می‌شنویم که به سوی سعادت رهبری می‌کند. هر کس با قرآن سخن بگوید گفتارش درست خواهد بود و هر کس طبق آن حکومت و قضاوت کند، به عدالت قضاوت نموده است و هر کس عمل خود را با آن تطبیق کند به اجر و پاداش نیک خواهد رسید، هر کس



مردم را به سوی آن دعوت نماید، به راه راست و مستقیمی هدایت نموده است. آن‌گاه علی (خطاب به حارث همدانی فرمود: «خذها یا أعور»؛ یعنی، ای اعور این حدیث را از من به یادگار بگیر. نکات حدیث اول:

**نکته ۱:** منظور از «اخبار آینده» در جمله‌ی «قرآن، اخبار گذشته و آینده را در بردارد»، عبارتند از چند احتمال: حوادث مربوط به جهان آخرت. (این احتمال از احتمالات دیگر قوی‌تر است. شاهد آن سخن امیر المؤمنین در یکی از خطبه‌هاست که می‌فرماید: «... فیه نبأکم من کان قبلكم، و الحکم فیما بینکم و خبر معادکم». ترجمه: این قرآن خبر گذشتگان و آیندگان و حکم اختلافات شمارا در بر دارد و اخبار روز رستاخیز را بیان می‌کند.) پیشگویی‌های قرآن و اخبار حوادث سالها بعد از نزول قرآن. تمام حوادث و اتفاقات ملل و اقوام گذشته که قرآن به آن‌ها اشاره کرده است، بدون کم و کاست در میان این امت نیز جریان پیدا خواهد کرد. (اشاره به معنای آیه «لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ» و حدیث پیامبر که می‌فرماید: «لَتَرْكَبُنَّ سَنَنَ مَنْ قَبْلِكُمْ»)

**نکته ۲:** جمله‌ی «من ترکه من جبار قصمه الله» در حدیث (ترجمه: هر جبار و ستمگری، قرآن را به پشت سر اندازد، خداوند کمر او را می‌شکند.) مصونیت قرآن از تحریف را تضمین می‌کند. همین معنی در حدیث دیگری نیز بیان شده است آن‌جا که می‌فرماید: «لا تزیغ به الأهواء» (ترجمه: هوا و هوس و غرض‌های شخصی نمی‌تواند آن را تغییر دهد.)

**نکته ۳:** قرآن کریم راه حل روشن و عادلانه‌ای را در خصومت‌ها، درگیری‌ها و اختلافات فکری در امت اسلامی به آنان نشان می‌دهد.

### حدیث دوم:

امیرمؤمنان علی ۷: «قرآن آن نور مطلق است که غروب و افول بر آن راه ندارد، چراغ روشنی است که به خموشی نمی‌گراید، آن دریای ژرف و پهناوری است که عمق آن پیدا نیست، آن راه راست و مستقیمی است که رهروانش را گمراه نمی‌سازد، پرتو تابانی است که ظلمت و تاریکی به آن راه ندارد، فیصل دهنده‌ای است که دلایل آن سست نخواهد بود، بیان واضح و روشنگری است که اصول و دلایل آن خلل ناپذیر، داروی شفابخشی است که با داشتن آن از امراض و بیماری‌ها ترسی نیست، مایه عزت و سربلندی است که یاران آن خوار و مغلوب نخواهند گردید، و حقیقتی است که طرفدارانش بی‌پار و یاور نخواهند بود. قرآن گنجینه ایمان و مرکز آن است، دریای علوم و سرچشمه دانش، گلستان و بوستان عدالت و دادگستری است. قرآن اساس و زیربنای اسلام و وادی‌های حق و دشت‌های پهناور آن است، قرآن دریایی است که آب‌کشان نتوانند آب آن را تمام کنند و چشمه‌ای است که آبش تیره و آلوده نخواهد بود و آبشخوارش در اثر تراکم و کثرت واردین تنگ نخواهد گردید. منزلی است که راه‌های آن صاف و هموار و مسافرینش هرگز گمراه نخواهند شد. قرآن نشانه‌ها و علائم روشنی است که عابرین از آن غفلت نورزند و تل‌های بلندی است که قصدکنندگان نتوانند از آن بگذرند. قرآن کتابی است که خداوند آن را سیراب کننده تشنگان علم و بهار دل‌های فقها و دانشمندان و آخرین مقصد نیکان و صالحان قرار داده است. قرآن دوايي است که با بودن آن دردی نیست، نور و روشنایی‌ای است که هرگز به ظلمت و تاریکی نگراید، ریسمانی است که دستگیره آن، محکم و ناگسستی و پناهگاه محکم و بلندی است که دست یغما و چپاول به آن راه ندارد، برای دوستدارانش عزت و بر و اردینش ایمنی بخش است و برای پیروانش وسیله هدایت و رستگاری و برای تمسک کنندگانش وسیله عذر خواهی است. قرآن دلیل محکم و استواری است

برای استدلال کنندگان، گواه حق و زنده‌ای است برای کسی که در خصومت‌ها به آن استشهاد کند و وسیله‌ی پیروزی است برای اجتماع کنندگانش، حاملانش را به سوی سعادت می‌برد و عاملانش را به مقام عالی و بلندی، پرواز و اوج می‌دهد. قرآن علائم و راهنمایی‌هایی است برای متفکرین، سپری است برای طالبان سلاح، علم و دانشی است برای کسی که آن را در مغز خود جای دهد و حدیث درستی است برای کسی که آن را نقل کند، قضاوت حق و عادلانه‌ای است برای کسی که در میان مردم با آن، حکومت و قضاوت نماید.

نکات حدیث دوم:

**نکته ۱:** مقصود امام از جمله «لا یخبو توقده» (ترجمه: هیچ‌گاه نور قرآن به خاموشی نگراید.)، جاودانگی حقایق و مفاهیم قرآن و زنده بودن احکام آن است و محدود به وقت خاصی نمی‌شود و چه بسا آیه در مورد خاصی نازل شده است اما مفهوم آن عمومیت دارد. این نکته در روایاتی ذیل تفسیر آیاتی مانند: «لکل قوم هاد» و «الذین یصلون ما أمر الله به أن یوصل» نیز بیان شده است.

**نکته ۲:** معنای جمله «و منهاجاً لا یضل نهجه» (معنی: راه مستقیمی که رهروانش گمراه نشوند) این است که قرآن برای هدایت مردم و تأمین سعادت آنان است.

**نکته ۳:** معنای جمله «و تبیاناً لا تهدم ارکانه» (ترجمه: اصول آن خلل ناپذیر است) دو احتمال دارد:

۱. پایه‌های معارف قرآن نابود شدنی نیست.

۲. در الفاظ قرآن زیادت و نقصانی نیست. (تحریف ناپذیر بود قرآن)

**نکته ۴:** معنای جمله «و ریاض العدل و غدرانه» (ترجمه: قرآن بوستان و چشمه‌ساران عدالت است.) در خطبه فوق این است که قرآن مرکز عدالت و محل پیوستگی انواع آن است.

**نکته ۵:** منظور از جمله «و أئافی الاسلام» (أئافی به معنی سنگ‌هایی دیگر رابر روی آن می‌گذارند)، این است که قرآن زیربنای اسلام است. همان‌طور که دیگ، روی پایه‌های اجاق قرار می‌گیرد و محتویاتش پخته شده، برای استفاده عموم آماده می‌شود.

**نکته ۶:** منظور از جمله «و اودیة الحق و غیطانة»، این است که تنها قرآن است که مثبت و چمنزار حق است و حق را به جز در قرآن در جای دیگر نتوان یافت و تنها محل رویش حق است.

**نکته ۷:** منظور از جمله «و بحر لا ینزفه المنتز فون» (ترجمه: قرآن دریای است که آب‌کشان نتوانند آب را تمام کنند)، این است که قرآن پایان ناپذیر و نامتناهی است و هیچ‌گاه دچار نقصان و کاستی نمی‌شود همان‌طور که رودخانه‌های بزرگ با برداشتن آب کاستی نمی‌یابد.

**نکته ۸:** منظور از جمله «و آکام لا یجوز عنها القاصدون» (ترجمه: عالمان نمی‌توانند به قله‌های آن برسند)، این است که قرآن دارای بطون و معانی مختلفی است.

### ❖ فضیلت قرائت قرآن:

احادیث فراوانی در فضیلت قرائت قرآن روایت شده است که به ذکر تعدادی از آن‌ها می‌پردازیم:

۱. امام باقر ۷: رسول خدا ۹ فرمود: هر کس در هر شب ۱۰ آیه از قرآن بخواند، در آن شب از غافلان و آنان که از پروردگارش بی‌خبرند، نوشته نمی‌شود و هر کس ۵۰ آیه از قرآن بخواند در آن شب در لیست آشنایان و یادکنندگان خدا ثبت می‌گردد. هر کس ۱۰۰ آیه تلاوت نماید از عبادت‌کنندگان



و هر کس ۲۰۰ آیه بخواند نام وی در صف خاشعین و افرادی که در پیشگاه پروردگارشان اظهار بندگی و تواضع کنند، خواهد آمد و هر کس ۳۰۰ آیه از قرآن بخواند از سعادت‌مندان و هر کس ۵۰۰ آیه تلاوت کند از کوشش کنندگان در عبادت و پرستش خدا نوشته خواهد شد. و اگر کسی ۱۰۰۰ آیه از قرآن بخواند به مانند کسی خواهد بود که طلای ناب و خالص فراوان و بی‌شماری در راه خدا بذل و احسان نموده است.

۲. امام صادق ۷: قرآن برنامه سعادت و زندگی انسان‌هاست که از طرف پروردگارشان برای آنان تنظیم شده است، مرد مسلمان کسی است که برنامه خود را مورد دقت قرار دهد و هر روز حداقل ۵۰ آیه از قرآن تلاوت کند.

۳. امام صادق ۷: چه مانعی دارد، تاجری که در بازار به داد و ستد مشغول و سرگرم است، آن گاه که به خانه‌اش بر می‌گردد قبل از آن که به خواب و استراحت پردازد؛ سوره‌ای از قرآن تلاوت نماید تا در برابر هر آیه که می‌خواند، ۱۰ حسنه و پاداش برای او نوشته شود و ۱۰ گناه از گناهانش محو گردد.

۴. امام صادق ۷: بر شما باد قرائت و خواندن زیرا مراتب و درجات کاخ‌های بهشتی به عدد آیات قرآن است و در روز قیامت به خوانندگان قرآن گفته می‌شود که قرآن بخوانید و به مرتبه بالاتری اوج بگیرید و قرآن خوان هر آیه‌ای را که تلاوت می‌کند به مرتبه بالاتری اوج می‌گیرد.

**نکته مهم:** در احادیث فضیلت قرآن خواندن، دو نکته را می‌توان استخراج کرد (این احادیث در جلد ۱۹ بحار الانوار بیان شده است):

۱. فضیلت قرائت از روی قرآن

۲. تدبیر در قرآن و شناخت تفسیر آن

در ادامه به تبیین این دو نکته می‌پردازیم:

۱- **فضیلت قرائت از روی قرآن:** برخی از احادیث دلالت بر این دارد که قرائت از روی قرآن از قرائت از حفظ برتری دارد (هرچند آن شخص حافظ باشد). مانند روایت اسحاق ابن عمار: به امام صادق ۷ عرضه داشت: جانم به قربانت، من قرآن را حفظ کرده‌ام؛ از حفظ بخوانم یا از روی آن؟ امام فرمود: از روی قرآن بخوان زیرا که قرائت از روی قرآن ثواب بیش‌تری دارد. مگر نمی‌دانی که نگاه کردن به قرآن علاوه بر خواندن آن، مستقلاً عبادت است؟

**نکته ۱:** قرائت از روی قرآن اسراری دارد؛ از جمله:

- چاپ و نشر نسخه‌های قرآن.
- خواندن قرآن از رو به استناد روایات سبب محافظت چشم از کوری و بیماری می‌شود. (تعبیر «متّع ببصره» در روایات به کار رفته است). مانند روایت امام صادق ۷ که می‌فرماید: هر کس قرآن را از روی آن تلاوت کند، چشم وی نیز از قرآن بهره می‌برد و از عذاب پدر و مادرش کاسته می‌شود، گرچه با کفر از دنیا رفته باشند.
- قرائت قرآن در خانه فوایدی دارد از آن جمله: تعظیم شعائر الهی، انتشار حقایق اسلام، نزول برکات و دوری از شیطان.

**نکته ۲:** در مقابل احادیث صحیح، احادیث جعلی در فضیلت قرائت قرآن توسط افرادی ساخته شده است. کسانی مانند: ابو عصمت فرج بن ابی مریم مروزی و محمد بن عکاشه کرمانی و احمد بن عبد الله جویباری. (این افراد مصداق آیه «و کذالك زُيِّنَ للمسرفين ما كانوا يعملون» هستند).

مانند اعتراف ابو عصمت، آن‌جا که از وی می‌پرسند چگونه توانستی درباره یکایک سوره‌های قرآن از عکرمه که با وی هم‌زمان نبود، حدیث نقل کنی که او نیز از ابن عباس گرفته باشد؟! «چون دیدم، مردم از قرآن اعراض نموده و به فقه ابوحنیفه و مغازی محمد بن اسحاق سرگرم شده‌اند، این حدیث‌ها را برای خدا (قربة الی الله!) از پیش خود ساخته، در اختیار مردم گذاشتم تا شاید که مسلمانان را به خواندن قرآن وادار و تشویق نمایم.»

بنابراین واحدی و دیگر مفسرانی که این احادیث را در تفاسیر خود آورده‌اند اشتباه کرده‌اند.

**۲- تدبیر در قرآن و شناخت تفسیر آن:** پیرامون تدبیر در قرآن، احادیث زیادی روایت نشده است. اما در اثبات تدبیر در قرآن نیازی به تتبع اخبار و احادیث وارده نیست. زیرا قرآن برنامه تعالی انسان است و این هدف عقلاً جز با تدبیر در معانی آن حاصل نمی‌شود. در جلد ۱۹ بحار الانوار این احادیث بیان شده است. مانند: روایت ابن عباس از پیامبر اکرم ۹ که فرمود:

«أعربوا القرآن و التمسوا غرائبه» (ترجمه: قرآن را خوب یاد بگیرید و رموز و عجایب آن را بیابید).

**نکته:** اصحاب پیامبر قرآن را ده آیه فرامی‌گرفتند و به سراغ ده آیه بعدی نمی‌رفتند مگر آن‌که ده آیه قبلی را می‌فهمیدند و به آن عمل می‌کردند. این روش اصحاب در یادگیری قرآن نشان از اهمیت تدبیر در قرآن دارد.



## فضایل قرآن

آنچه در این فصل می‌خوانیم:

- معنای اعجاز
- ضرورت معجزه
- بهترین معجزه هر عصر
- قرآن معجزه الهی
- وجوه اعجاز قرآن

### ❖ معنای معجزه

اعجاز در لغت:

۱- فوت و از دست رفتن چیزی؛ مثلاً گفته می‌شود: اعجزه الامر الفلانی: فلان چیز را از دست داد و از او فوت شد.

۲- احساس عجز در دیگر: مثلاً گفته می‌شود: أعجزت زیداً: زید را عاجز یافتیم.

۳- به وجود آوردن عجز در دیگری. (او را عاجز نمودم)

اعجاز یک اصطلاح کلامی است نه قرآنی.

### اعجاز در اصطلاح:

شخصی که ادعای منصبی از منصب‌های الهی می‌کند، باید جهت گواه بر صدق گفتارش عملی انجام دهد که دیگران از انجام آن عاجزند. زیرا در ظاهر مخالف قوانین خلقت است. انجام چنین عمل را اعجاز و خود عمل را معجزه می‌نامند.

**نکته مهم:** اینکه عمل خارق العاده معجزه نامیده شود و نشان از صدق منصب الهی باشد شرایطی دارد که عبارتند از:

۱- چنین منصبی که کسی آن را مدعی می‌شود باید عقلاً برای بشر امکان پذیر باشد. به این معنی که اگر این منصب از نظر

عقل یا به حکم شرع (نقل صحیح) نادرست باشد. حتی اگر دیگران از انجام این عمل ناتوان باشند گواهی بر منصب الهی

نیست. مثلاً کسی که ادعای خدایی می‌کند. و یا کسی که بعد از خاتم الانبیاء ۹ ادعای نبوت می‌کند.

۲- آن عمل خارق العاده، خود دلیل بر کذب ادعا نگردد. (مثل مسیلمه‌ی کذاب که ادعای پیامبری کرد - معاصر پیامبر - که آب

دهان بر چاه انداخت و چاه خشک شد. یا کام کودکان بنی حنیفه را برداشت، همگی لکنت یافتند و یا عده‌ای دیگرشان را

دست بر سر کشید همگی کچل شدند. «الکامل ابن اثیر ۲/۱۳۸»). زنی هم در عربستان ادعای پیامبری کرد که با مسیلمه

ازدواج کردند و سپاهی تشکیل دادند زیادتر از سپاه مسلمانان. در این صورت خود عمل نشان کذب بودن ادعا می‌باشد.

۳- به هیچ‌یک از علوم متکی نبوده و قابل تعلیم و تعلم نباشد. مثل جادو و یا شعبده بازی و یا بعضی طبابت‌های عجیب و یا

کارهایی با مواد شیمیایی.

**نکته:** بر خداوند واجب نیست هیچ‌یک از موارد فوق را تکذیب نماید. بلکه عملکرد خود آنان نافی خودشان است.

**نکته:** آنچه از نظر عقلی بر خدا قبیح است، تصدیق دروغگو و موجبات ضلالت مردم را پدید آوردن.

### ❖ ضرورت معجزه:

از طرفی به حکم عقل بر خداوند متعال لازم است برای تأمین سعادت و تکامل بشر تکالیف و قوانینی مقرر کند و این قوانین را به دست مبلغانی از نوع خود بشر به آگاهی آنان برساند تا هر کس به هلاکت رسد (گمراه شود) پس از اتمام حجت هلاک شود و هر کس به حیات ابدی رسد (هدایت شود) لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَ يُحْيِيَ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ (انفال/ ۴۲). اگر خداوند چنین کاری نکند، یا از نیازهای بشر اطلاعی ندارد و یا بخل می‌کند و یا قدرت ندارد که هر سه برای خداوند محال است.

و از طرف دیگر کسی که مدعی رسالت الهی است باید دارای شواهد و گواهی باشد که اولاً بر خلاف مسیر عادی و طبیعی جریان یابد و دیگران از انجام آن ناتوان باشند و ثانیاً آن دلیل در نهایت وضوح و روشنی باشد که مورد قبول قرار گیرد.

**نکته:** با آوردن معجزه عده‌ای هم به دروغ ادعای این منصب را می‌کنند. از پیامبران راستین قابل تفکیک هستند. خداوند (و یا زمامداری که به حفظ مصالح رعیت اهمیت می‌دهد) در مقابل مدعیان دروغگو و شیادانی که ادعای منصب می‌کنند مقابله می‌کند. در قرآن کریم نیز به همین مطلب اشاره شده است: «لَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقَاوِيلِ \* لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ \* ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ» (حاقه / ۴۴- ۴۶). در این آیه منظور این است که اگر بر فرض محال محمد از پیش خود حرف‌هایی را به ما نسبت می‌داد دستش را می‌گرفتیم و رگ حیاتش را قطع می‌کردیم.

**نکته مهم:** اشاعره نمی‌توانند نبوت حق را از نبوت دروغین تشخیص دهند زیرا:

معجزه فقط برای کسی می‌تواند دلیل باشد که قائل به «حسن و قبح عقلی» است.

اشاعره منکر حسن و قبح عقلی هستند. ← راه تشخیص نبوت حق از باطل بر آن‌ها بسته است.

### • پاسخ فضل بن روزبهان از اشکال:

هر چند اشاعره منکر حسن و قبح عقلی اند، ولی عادت خداوند بر آن است که معجزه را فقط به پیامبران بدهد نه دروغگویان. لذا راه تصدیق پیامبران الهی و تشخیص دروغگو بودن از راستگو بودن حتی برای اشاعره بسته نیست.

### • جواب آیت الله خویی بر سخن فضل بن روزبهان:

۱ - این عادت و مشیت مورد ادعای ابن روزبهان قابل حس نیست. بلکه تنها راهی که می‌توان آن را دریافت نمود، عقل است و اگر عقل هم نتواند حسن و قبح اشیاء را درک کند، راهی برای اثبات این عادت برای خداوند وجود ندارد.

۲ - این عادت قابل اثبات نیست زیرا اگر کسی به انبیاء تردید داشته باشد، از هیچ راهی نمی‌تواند اثبات کند که عادت خداوند همیشه بر آن است که معجزه در دست راستگویان ظاهر می‌شود.

۳ - اگر عقل از درک حسن و قبح عاجز باشد، چه مانعی دارد که خداوند عادتش را تغییر دهد؟! و معجزه را به یک دروغگو بدهد؟! چون خداوند "لَا يُسألُ عما يفعل" است.

۴ - عادت بر اثر تکرار در عمل حاصل می‌شود. اگر کسی بپرسد چگونه می‌توان نبوت نخستین پیامبر را با انکار حسن و قبح عقل ثابت کرد، چه جوابی داریم؟! از روز اول که عادت به نبوت نداشت!

### ❖ بهترین معجزه هر عصر: مشابه عالی‌ترین فن هر دوران است.

شناخت معجزه برای همگان میسر نیست. بلکه متخصصین فن می‌توانند آن را بشناسند. زیرا به دقایق و خصوصیات آن فن از دیگران آشنا ترند. لذا حکمت خداوند آن است که معجزه‌ای ارسال کند که متخصصان آن فن در آن دوران فراوان باشند تا بتوانند درباره‌ی آن داوری کنند. به همین دلیل است که:



- **معجزه موسی** بد بیضاء و عصا است؛ زیرا در زمان وی سحر و جادوگری معمول بوده و ساحران از اولین کسانی بودند که ایمان می‌آوردند.
  - **معجزه عیسی** زنده کردن مردگان، بینا کردن کور و شفادادن امراض ناعلاج بوده است؛ زیرا در آن زمان طب یونانی رونق خاصی داشته است.
  - **معجزه خاتم ۹** بیان و فصاحت قرآن بوده است زیرا مردم آن عصر به ادبیات و شعر اهتمام داشته‌اند. مثلاً ۷ قصیده (معلقات سبعة) را با آب طلا روی قباطی (پارچه‌های سفید از مصر) نوشته و به دیوار کعبه آویخته بودند (معجزات دیگر پیامبر عبارتند از: شق القمر، حرف زدن اژدها با آن حضرت، تسبیح ریگ‌ها در دست پیامبر ۹ و ... که موقتی بودند تنها معجزه‌ی ماندگار قرآن کریم است. زیرا عرب در علوم طبیعی سر رشته‌ای نداشت، ممکن بود بگویند سحر است.)
- نکته:** روایتی را ابن السکیت از امام رضا ۷ روایت کرده است که امام ۷ درباره‌ی علت اعجاز هر یک از پیامبران توضیح می‌دهند.

### ❖ قرآن معجزه‌ی الهی

ادعای تحدی قرآن اول به کل قرآن. و سپس به ۱۰ سوره و سپس به ۱ سوره تنزل می‌یابد. ولی فصیحان و بلیغان عرب حتی نتوانستند که یک سوره مانند قرآن بیاورند و ثابت کنند که قرآن معجزه الهی نیست. شاهد عجز آنان روی آوردن به جنگ و خونریزی برای مقابله با پیامبر ۹ است و این بزرگ‌ترین برهان و قوی‌ترین دلیل بر وحی بودن قرآن است.

#### • یک اشکال:

شاید عرب آن زمان چیزی بهتر از قرآن آوردند ولی در اثر گذر زمان از بین رفته باشد.

#### • پاسخ:

۱. اگر عرب چنین سخنی را آورده بودند در محافل و اجتماعات خود (حج و ... ) نقل می‌کرد. چرا که آنان در هر فرصتی به سراغ شعر و ... می‌رفتند. از آن متن محافظت می‌نمودند و آن را به عنوان حجت حفظ می‌کردند. در حالی که در هیچ کتاب ادبی سخنی از آن نیست.
۲. تحدی قرآن همیشگی و برای همه انس و جن بوده، هست و خواهد بود. مثل مسیحیان که این همه با اسلام جنگیده‌اند.
۳. اگر انسان با شعر و ... مدتی سر و کار داشته باشد بعد از یک مدتی می‌تواند با تمرین و ... مشابه آن را بیاورد ولی درباره‌ی قرآن برعکس است. هرچه با قرآن بیشتر آشنا شویم می‌توان دریافت که اسلوب و شیوه‌ای دارد که از قدرت بشر خارج است و قابل تعلیم و تعلم نیست. قرآن با سخن پیامبر ۹ هم فرسنگ‌ها فاصله دارد.
۴. غالباً افراد بلیغ از انواع بلاغت در یک یا دو و یا حداکثر سه نوع بلاغت مهارت دارند و نه تمام قسمت‌ها. اما قرآن در موضوعات مختلف وارد شده و به فنون گوناگون سخن گفته است. به عبارتی بلاغت و فصاحت همه جانبه به گفتار خدا اختصاص دارد.



## ❖ وجوه اعجاز قرآن

### ۱- فصاحت و بلاغت

معجزه‌ی پیامبر خاتم ۹ که بناست دین ابدی ارائه کند، می‌بایستی برای آیندگان نیز قابل استفاده باشد. چون اگر بخواهد برای نسل‌های بعد هم حجت باشد یا باید دیده باشند و یا به نقل متواتر برایشان نقل گردیده باشد و إلا حجت نخواهد بود. بنابراین نبوت دائمی و مستمر نیاز به معجزه دائمی و مستمر دارد که در همه‌ی دوران‌ها گواه زنده بر نبوت باشد. دو نتیجه‌ی مهم از آنچه گفته شد:

- ۱ - تفوق و برتری پیامبر ۹ و قرآن بر سایر انبیاء و معجزاتشان. (زیرا قرآن معجزه جاوید است و تحدی قرآن در تمام زمان‌ها ادامه دارد و هیچ کس نتوانسته در این مبارزه پیروز شود.)
- ۲ - شریعت‌های انبیاء گذشته منسوخ شده، زیرا معجزات آنان که دلیل بر صدق آن پیامبران بوده موقت و پایان یافته است. نکته: قرآن از ویژگی ممتاز دیگری برخوردار است و بدین جهت بر تمام معجزات پیامبران گذشته برتری دارد و آن عبارت است از: «تکفل و تضمین هدایت بشر».

### ۲- قرآن و معرفت عقلی و فلسفی

پیامبراسلام ۹ امی بود و این دلیل روشنی بر صدق گفتار ایشان و صحت نبوت اوست. کتاب او بالاترین اندیشه‌ها را آورد. که فلاسفه و ... را به خود مشغول کرده است. نمی‌توان گفت پیامبر از مردم زمانه‌ی خودش آموخته باشد زیرا اطرافیان حضرت یا بت پرست بوده و یا یهودی و نصاری. و معارف پیامبر ۹ هیچ سنخیتی با هیچ‌یک از ۳ گروه ندارد.

• آیات توحید و صفات خدا: به نمونه‌ای از این آیات اشاره می‌کنیم:

- بقره/۱۱۶ و ۱۱۷: ﴿وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحٰنَهُ بَلْ لَّهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ كُلُّ لَّهُ قٰنِیْنٌ \* بَدِیْعَ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ وَاِذَا قَضٰی اَمْرًا فَاِنَّمَا یَقُوْلُ لَهُ كُنْ فَاَیْكُوْنُ﴾
- بقره/۲۵۵: ﴿اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّوْمُ لَا تَاْخُذُهٗ سِنَةٌ وَّلَا نَوْمٌ لَّهٗ مَا فِی السَّمٰوٰتِ وَ مَا فِی الْاَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِیْ یَشْفَعُ عِنْدَهٗ اِلَّا بِاِذْنِهٖ یَعْلَمُ مَا بَیْنَ اَیْدِیْهِمْ وَ مَا خَلْفَهُمْ وَ لَا یُحِیْطُوْنَ بِشَیْءٍ مِّنْ عِلْمِهٖ اِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِیُّهُ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضَ وَ لَا یَـُٔوْدُهٗ حِفْظُهُمَا وَ هُوَ الْعَلِیُّ الْعَظِیْمُ﴾ (۲۵۵)
- بقره/۱۶۳: ﴿وَ الْاِهْکَمِ اِلٰهًا وَّاحِدًا لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیْمُ﴾
- آل عمران/۵ و ۶: ﴿اِنَّ اللّٰهَ لَا یَخْفٰی عَلَیْهِ شَیْءٌ فِی الْاَرْضِ وَ لَا فِی السَّمٰوٰتِ \* هُوَ الَّذِیْ یُصَوِّرْکُمْ فِی الْاَرْحَامِ کَیْفَ یَشَآءُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْعَزِیْزُ الْحَکِیْمُ﴾
- انعام/۱۰۲ و ۱۰۳: ﴿ذٰلِکُمْ اللّٰهُ رَبُّکُمْ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ خَلَقَ کُلَّ شَیْءٍ فَاغْبٰثُوْهُ وَ هُوَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ وَکِیْلٌ \* لَا تُدْرِکُهٗ الْاَبْصَارُ وَ هُوَ یُدْرِکُ الْاَبْصَارَ وَ هُوَ اللَّطِیْفُ الْخَبِیْرُ﴾
- یونس/۳۴: ﴿قُلْ هَلْ مِنْ شُرَکَآئِکُمْ مَّنْ یَّبْدُوْا الْخَلْقَ ثُمَّ یُعِیْدُهٗ قُلِ اللّٰهُ یَبْدُوْا الْخَلْقَ ثُمَّ یُعِیْدُهٗ فَاَنۡیُّ تُؤْفَکُوْنَ﴾
- رعد/۲: ﴿اللّٰهُ الَّذِیْ رَفَعَ السَّمٰوٰتِ بِغَیْرِ عَمَدٍ تَّرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوٰی عَلَی الْعَرْشِ وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ کُلٌّ یَجْرِیْ لِاَجَلٍ مُّسَمًّی یُدَبِّرُ الْاَمْرَ یَفْضَلُ الْاٰیٰتِ لَعَلَّکُمْ یَلْقَآءَ رَبِّکُمْ تُوقِنُوْنَ﴾
- قصص/۷۰: ﴿وَ هُوَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِی الْاَوَّلِیِّ وَ الْاٰخِرَةِ وَ لَهٗ الْحُکْمُ وَ اِلَیْهِ تُرْجَعُوْنَ﴾



- **حشر/۲۲-۲۴:** «هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عِلْمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ \* هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى \* يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»

• **آیات درباره‌ی انبیاء:** عالی‌ترین فضائل، زیباترین اوصاف، عصمت و پاکی و زیباترین اوصاف را برای آنان بیان کرده است. به نمونه‌ای از این آیات اشاره می‌کنیم:

- **اعراف/۱۵۷:** «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيَجْلِبُ لَهُمُ الطَّبِيبَاتِ وَيَحْرُمُ عَلَيْهِمُ الْخَبِيثَاتِ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِضْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ فَعَلُوا بِهِمْ مَا نُصِرُوا بِهِ وَالنَّصْرُوهُ أُوْتُوا الَّذِي نَزَّلَ مَعَهُ أُؤْتُوا هُمُ الْمُفْلِحُونَ»

- **جمعه/۲:** «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ»

- **قلم/۳ و ۴:** «وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ \* وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ»

- **زخرف/۲۶ و ۲۷:** «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِمَّا تَعْبُدُونَ \* إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ»

- **انعام/۷۵:** «وَكَذَٰلِكَ نُرَىٰ إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ»

- **انعام/۸۴-۸۷:** «وَ هَدَيْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا وَنُوحًا هَدَيْنَا مِنْ قَبْلُ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَىٰ وَهَارُونَ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ \* وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَىٰ وَعِيسَىٰ وَإِلْيَاسَ كُلٌّ مِّنَ الصَّالِحِينَ \* وَإِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَيُونُسَ وَلُوطًا وَكُلًّا فَضَّلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ \* وَمِنَ آبَائِهِمْ ذُرِّيَّتِهِمْ وَإِخْوَانِهِمْ وَاجْتَبَيْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»

- **نمل/۱۵:** «وَ لَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلْنَا عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ»

- **ص/۴۸:** «وَ اذْكُرْ إِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَذَا الْكِفْلِ وَكُلٌّ مِّنَ الْأَخْيَارِ»

- **مریم/۵۸:** «أُولَٰئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِن ذُرِّيَّةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِن ذُرِّيَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا ثَلَىٰ عَلَيْهِمْ ءآيَاتُ الرَّحْمَٰنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا»

اما در عهدین داستان‌هایی بیان شده است که با مقام بلند پیامبران تناقض دارد. در ادامه به تعدادی از آن‌ها می‌پردازیم:

۱- در تورات سفر پیدایش فصل ۲ و ۳ درباره داستان آدم و حوا و خارج شدن آن دو از بهشت آمده است:

خداوند به آن دو فرمود: اگر از میوه تناول کنی حتماً خواهی مرد ... ماری آمد و گفت: با خوردن میوه نمی‌میرید، بلکه چون خداوند می‌داند اگر از این میوه بخورید چشمتان باز می‌شود و نیک و بد را تشخیص خواهید داد، لذا شما را نهی کرده است.

آدم و حوا خوردند. چشمشان باز شد. خدا در بهشت قدم می‌زد آن‌ها را دید. آدم و حوا خود را از خدا مخفی کردند. خدا آدم را صدا زد کجا هستی آدم؟ وی گفت: چون صدای تو را شنیدم مخفی شدم زیرا عریانم. خدا گفت چگونه فهمیدی عریانی؟ مگر از آن میوه خوردی؟!

خدا گفت: حالا دیگر آدم مثل یکی از ما شده. خوب و بد را تشخیص می‌دهد. هم اکنون دستش را دراز می‌کند و از درخت حیات می‌خورد و برای همیشه زنده می‌ماند.

۲- سفر تکوین فصل ۱۲:

ابراهیم در برابر نمرود، همسرش ساره را گفت خواهرش است. چون ساره زیبا بود، فرعون (نمرود) او را از ابراهیم گرفت و در عوض آن کمک مالی فراوانی به ابراهیم کرد و ابراهیم بسیار ثروتمند شد.

وقتی فرعون (نمرود) دانست ساره همسر ابراهیم بوده ابراهیم را توبیخ کرد و ساره را پس داد.

۳- سفر تکوین فصل ۱۹:

شبی دختر بزرگ لوط به خواهرش گفت: اینک پدر ما پیر گشته و روی زمین کسی نیست که با ما نزدیکی کند. بیا به پدر شراب دهیم و با وی همبستر شویم تا نسل پدر روی زمین باقی بماند. در همان شب به پدر شراب دادند و دختر بزرگ و در شب بعد دختر کوچک با پدر همبستر شد و آبستن شدند. دختر بزرگ پسری به نام (موآب) و دختر کوچک نیز (بن عمی) را زائید که نسل شان تاکنون ادامه دارد!

۴- سفر تکوین فصل ۲۷:

اسحاق خواست نبوت را به فرزند خود "عیسو" بدهد ولی فرزند دیگرش یعقوب، اسحاق را فریفت و چنین وانمود کرد که او همان عیسو است. برای پدر طعام و شراب آماده کرد و .... یعقوب به پیامبری رسید و اسحاق او را دعا کرد. وقتی عیسو فهمید، به پدرش گفت مرا برکتی دیگر ده، اسحاق: برادرت با نیرنگ برکت نبوت تو را گرفت ... من او را آقا و سرور تو نمودم و تمام برادرانش را غلام او کردم و او را با شراب و گندم نیرومند کردم.

### ۳- اعجاز هماهنگی آیات قرآن

اگر قانون گذاری و خبرهای کسی دروغ باشد، حتماً تناقض های آن پیدا خواهد شد. (دروغگو کم حافظه است). قرآن کریم در همه ی شئون و امور زندگی انسان ها به طور وسیع سخن گفته و قانون گذاری کرده است و بعضاً داستان ها را چند بار بیان فرموده ولی هیچ یک با هم تعارض ندارد.

**نکته:** اینکه قرآن تدریجاً و در مناسبت های مختلف و حوادث گوناگون نازل گردیده این حقیقت بیشتر روشن می شود که از جانب خداوند متعال نازل شده است و از قدرت بشر خارج است. خود قرآن به این حقیقت اشاره می کند:

﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ ۗ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾

**نکته:** ولید بن مغیره در شناخت رموز فصاحت و بلاغت در بین عرب مشهور است. خود او اقرار می کند آنچه محمد ۹ می گوید به هیچ سخنی شباهت ندارد و بر تمام آن ها برتری دارد همین باعث شد او بگوید قرآن سحر است.

### اما تناقض در عهدین:

۱. انجیل متی فصل ۱۲ و لوقا فصل ۱۱: عیسی: هر که با من نباشد علیه من است و هر که در کنار من نباشد تفرقه افکن است. و در فصل نهم مرقس و لوقا: هر که مخالف ما نباشد او با ماست. به خوبی روشن است که این دو مطلب نقیض یکدیگرند.

۲. انجیل یوحنا فصل ۵: اگر من به نفع خودم شهادت دهم شهادت درستی نخواهد بود و در فصل ۸ از همین انجیل از عیسی نقل می کند که می گفت اگر به نفع خودم شهادت دهم شهادت درستی به حق است.

### ۴- اعجاز در تشریح

عرب جاهل سرشار از خرافات و قوانین غیر عقلایی بود نه دین خاصی داشت که موجب وحدت شود و نه نظام مدنی و اجتماعی داشتند. پیامبر ۹ با آداب و رسوم غلط جاهلی مبارزه کردند و توحید و علم و فضائل و ... را جانشین کردند. دل ها را پاک و با مکارم اخلاقی آشنا کرد. علم و دانش جاگزین جهل شد.



**نکته:** دوزی از مستشرقین فرانسوی می‌گوید: پس از ظهور محمد ۹ قبایل عرب متحد شدند و دارای هدف و آرمان شدند و توانستند حکومت تشکیل دهند. آنها پرچم تمدن را به اهتزاز درآوردند در موقعی که هنوز اروپا در ظلمت وسطایی بود. در آن دوران تنها مردمی که دارای علم بودند همان ملت مسلمان بود.

در ادامه تعدادی از آیات قرآن که در آن‌ها دستوراتی داده شده است، بیان می‌شود:

#### • توصیه قرآن به اعتدال :

- نساء/ ۵۸: إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ.
- مائده/ ۸: اَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ.
- انعام/ ۱۵۲: وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا.
- نحل/ ۹۰: إِنَّ اللَّهَ بِأَمْرٍ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَنِ وَإِيتَايَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ.

#### • نهی از بخل :

- آل عمران/ ۱۸۰: وَ لَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا أَنْتُهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرًّا لَّهُمْ سَيَطْلُبُونَ مَا بَخَلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ.

#### • نهی از اسراف :

- انعام/ ۱۴۱: وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ.
- اسراء/ ۲۹: وَ لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَ لَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَحْسُورًا.

#### • توصیه به صبر :

- زمر/ ۱۰: إِنَّمَا يُوفِي الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ.
- آل عمران/ ۱۴۶: وَ اللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ.

#### • معامله :

- بقره/ ۲۵۷: وَ أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَزَمَ الرِّبَا

#### • دستور به وفای به عهد :

- مائده/ ۱: أَوْفُوا بِالْعُقُودِ

#### • ازدواج برای بقای نسل :

- نور/ ۳۲: وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامِيَّ مِنْكُمْ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ
- نساء/ ۳: فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ

#### • روش زندگی با همسر :

- نساء/ ۱: عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ
- بقره/ ۲۲۸: وَ لَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ

#### • خوبی کردن به همه :

- قصص/ ۷۲: وَ أَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ.
- اعراف/ ۵۶: إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ.
- بقره/ ۱۵۹: وَ أَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ.

#### • مساوات و نفی برتری‌های مادی و نژادی و ... :

- حجرات/۱۳: إِنْ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ

• توجه به علم:

- زمر/۹: قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

**نکته:** تورات صرفاً به زندگی دنیوی توجه دارد، نامی از قیامت و جهان پس از مرگ در آن وجود ندارد. انجیل نیز فقط توصیه‌های اخروی دارد ولی قرآن هم به دنیا و هم به آخرت توجه دارد.

- قصص/۷۷: وَ ابْتَغِ فِيهَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ لَا تُنْسِ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا

- اعراف/۳۲: قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أُخْرِجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ

### ۵- قرآن و حقایق ثابت و خلل ناپذیر

در قرآن درباره‌ی موضوعات ماوراء الطبیعه مثل: روح، فرشته، ابلیس، جن و یا عالم ماده مثل کرات آسمانی، و یا اخبار گذشتگان و آیندگان و یا مثل‌ها و احتجاجات، مسائل اخلاقی، حقوق، خانواده، حکومت، نظام اجتماعی، جنگ، قضا و قدر، آزادی و مسئولیت انسان، عبادت، معامله، ازدواج، طلاق، ارث، حدود، قصاص و ... قرآن کریم با کثرت مباحث و تنوع مطالب و بالا بودن سطح علمی آن تاکنون مورد کوچک‌ترین اشکال و انتقادی قرار نگرفته است. همگی حقایق، مستحکم و خلل ناپذیرند. در حالیکه کتب معمولی بعد از مدتی بطلان نظریه‌هایشان آشکار می‌شود.

### ۶- قرآن و اخبار غیبی

برخی از آیات قرآن کریم از امور مهمی که مربوط به آینده بوده خبر داده و حوادث و پیشامدهایی را که بعداً اتفاق می‌افتاده پیشگویی کرده است. در ادامه به نمونه‌هایی از این آیات اشاره می‌شود:

۱. وعده پیروزی در جنگ بدر در حالیکه مسلمانان در آن موقع در مقابل سپاه ابوسفیان بسیار ضعیف بودند.  
انفال/۷: وَإِذْ يَبْعَثُ اللَّهُ إِهْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَتَاهَا لَكُمْ وَ تَوَدُونَ أَنْ غَيْرَ ذَاتِ الشُّوْكَةِ تَكُونُ لَكُمْ وَ يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَ يَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ.
۲. وعده‌ی پیروزی به پیامبر ۹ در ابتدای دعوت به اسلام.  
حجر/۹۵-۹۶: إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ.  
صف/۹: لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.
۳. وعده‌ی پیروزی ایران بر روم.  
روم/۲-۳: غُلِبَتِ الرُّومُ \* فِي آدْنَى الْأَرْضِ وَ هُمْ مِنْ بَعْدِ غَلِبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ
۴. وعده‌ی شکست و فرار کفار که در جنگ بدر محقق شد.  
قمر/۴۴-۴۵: أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُنْتَصِرُونَ سَيُهْزَمُ الْجَمْعُ وَ يُؤَلَوْنَ الذُّبُرُ.
۵. وعده‌ی جهنمی شدن ابولهب که محقق شد و در حال کفر از دنیا رفت.  
مسد/۱-۵: تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَ تَبَّتْ

### ۷- قرآن و اسرار آفرینش

قرآن زمانی از حقایق علمی سخن رانده است که فقط تعدادی از دانشمندان یونانی و ... به علوم ناچیزی از طبیعت پی برده بودند و جزیره العرب کاملاً بی اطلاع بودند. از جمله آیاتی که در آن به اسرار آفرینش و حقایق و دقایق علمی سخن گفته و دانشمندان بعداً به آن رسیده‌اند آیات ذیل است:



۱. حجر/۱۹: وَأَنْبِئْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْزُونًا.
- علم گیاه شناسی امروز ثابت کرده است که هر یک از گیاهان از اجزاء و عناصر خاص تشکیل شده اند و دارای وزن مخصوص و ترکیب خاصی است به طوری که اگر از وزن و مقدار آن کم یا زیاد شود دیگر آن گونه نبات مخصوص نبوده بلکه گونه‌ی دیگری خواهد بود.
۲. حجر/۲۲: وَأَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَاقِحَ مَفسران قدیم: لفاق را به معنی حمل گرفته‌اند و آیه را اینگونه ترجمه کرده‌اند: بادها را فرستادیم تا ابرها را حمل کنند و حرکت دهند. ولی دانشمندان امروز فهمیده‌اند که بادها حامل دانه‌های نر و ماده هستند و گیاهان را باردار می‌کنند.
۳. زوجیت نباتات:
- عد/۳: وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ.
- یس/۳۶: سُبحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ.
۴. حرکت زمین:
- در آیه زیر تشبیه جالبی ذکر شده است که هم به حرکت و هم به آرامش اشاره دارد.
- طه/۵۳: الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا  
وجود قاره‌ای دیگر:
- الرحمن/۱۷: رَبِّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبِّ الْمَغْرِبَيْنِ
- بعضی از مفسران قدیم به دو مشرق و دو مغرب، تابستان و زمستان حمل کرده‌اند. برخی بیان داشته‌اند که منظور از دو مشرق و دو مغرب یکی مشرق و مغرب خورشید و دیگری مشرق و مغرب ماه است. اما مراد از آیه وجود قاره‌ی دیگر بر سطح کره‌ی زمین است که لازمه‌ی طلوع در آن قاره، غروب آن در قاره‌ی ماست. شاهد این مدلول آیه‌ی (یا لیتَ بینی و بینک بُعد المشرقین) می‌باشد که می‌فهمیم منظور از فاصله‌ی مشرقین، دورترین مسافتی است که برای انسان محسوس است و نمی‌تواند دو مشرق خورشید و ماه و یا دو مشرق تابستان و زمستان باشد. چون فاصله‌ی میان آن دو طولانی‌ترین فاصله‌ی محسوس برای انسان نیست.
- لذا می‌توان گفت:
۱. آنجا که مشرق و مغرب مفرد آمده‌اند، منظور نوع مشرق و مغرب است: وَ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ
۲. آنجا که مثنی آمده، به وجود قاره‌ای دیگر اشاره کرده است.
۳. و آنجا که جمع آمده، اشاره به مشرق و مغرب‌های تمام شهرها دلالت دارد که جز با کرویت زمین قابل توجیه نیست.
۵. کرویت زمین:
- اعراف/۱۳۷: ... مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَعَارِبِهَا
- صافات/۵: ... وَرَبِّ الْمَشَارِقِ
- معارج/۴۰: ... فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ
- این آیات شریفه بر متعدد بودن محل طلوع و غروب آفتاب دارد و در آن اشاره به کرویت زمین شده است. طلوع آفتاب در بخشی از زمین مستلزم غروب در بخشی دیگر است و فقط با کرویت بودن زمین مشرق و مغرب (محل طلوع و غروب) می‌تواند متعدد باشد.
- نکته: قرطبی مشارق و مغارب را به اختلاف روزهای سال تعبیر کرده است.

نقد آیت ا... خوبی: تفسیر غلطی است. زیرا آفتاب طلوع‌های معینی ندارد تا اینکه مورد سوگند قرار بگیرد بلکه اختلاف طلوع‌ها سبب اختلاف سرزمین‌هاست.

**نکته:** در روایات ما نیز به صورت کنایه به طلوع و غروب خورشید اشاره شده است.

مثلاً شخصی نماز مغربش را بعد از تاریکی شب و نماز صبحش را قبل از طلوع می‌خواند. و برای اثبات مقصودش، به اختلاف و تعداد مشرق‌ها و مغرب‌ها (که از کرویّت زمین بوجود می‌آید استدلال می‌کرد) آن حضرت گفتار او را تصدیق ولی به او می‌فرماید:

بر ما واجب است پس از غروب آفتاب خودمان و طلوع فجر خودمان نماز بخوانیم و بر دیگران نیز واجب است پس از غروب خودشان نماز مغرب بخوانند.

### سخن نهایی

در وحی بودن قرآن همان بس که شخصیتی چون علی ۷ را تربیت کرده است. زیرا کسی که با فرهنگ جاهلی آشنا باشد، باور نمی‌کند که علی ۷ و نهج البلاغه‌اش در آن محیط فرهنگی به بشریت عرضه شده باشند. تصدیق معجزه بودن قرآن توسط علی بن ابی طالب ۷ - با داشتن آن مقام والا در فصاحت و بلاغت و علوم و معارف - خود به تنهایی دلیل بر وحی الهی بودن قرآن است. زیرا ممکن نیست تصدیق آن حضرت از روی جهل و ناآگاهی باشد و همچنین تصدیق آن حضرت به اعجاز قرآن، تصدیقی صوری و بر اساس مادی نبوده است.